



استثناء (اصول)

استثنا در [اصول فقه](#) در مبحث مفاهیم و مبحث عموم و خصوص کاربرد دارد.

فهرست مندرجات

۱ - جریان استثناء در اصول فقه

۱.۱ - مفهوم استثناء

۱.۲ - مبحث عموم و خصوص

۲ - پانویس

۳ - منبع

جریان استثناء در اصول فقه

استثنا در [اصول فقه](#) در دو جا کاربرد دارد:

۱. مبحث مفاهیم؛ از این جهت که آیا استثناء مفهوم دارد یا خیر؟

۲. مبحث عموم و خصوص؛ از این جهت که اگر بعد از چند جمله به هم [عطف](#) شده، استثنا واقع شود به کدام یک برمی‌گردد؟

← مفهوم استثنا

استثنا گاهی رجوع به موضوع حکم می‌کند و گاهی رجوع به [حکم](#) می‌کند.

الف: استثنا گاهی رجوع به موضوع حکم می‌کند مانند آن که بگوید: [عالم غیر عادل](#) را اکرام نکن، که بر [نهی](#) از اکرام غیر عادل دلالت می‌کند.

در این فرض، استثنا بدون اشکال مفهوم ندارد یعنی دلالت بر وجوب اکرام عالم عادل نمی‌کند. [ادات استثنا](#) در این موارد با ما بعش صفت برای ما قبل به شمار می‌رود.

ب: گاهی استثنا رجوع به حکم می‌نماید مانند آن که بگوید: [عالمین](#)، جز [فاسقان](#) از ایشان را اکرام کن.

استثنا در این فرض بر انتفا حکم مستثانمانه از مستثنا دلالت می‌کند؛ لیکن در این که این دلالت به مفهوم است یا به منطوق، و یا در صورتی که ادات استثنا، [فعل](#) یا متضمن معنای فعل

باشد مانند «پیس» و «لا یكون» دلالت آن به منطوق و اگر [حرف](#) باشد به مفهوم است، اختلاف می‌باشد. قول نخست (دلالت به مفهوم) به مشهور نسبت داده شده است.

[۱] مستند الشیعة، محقق نراقی، ج ۱۶، ص ۱۱۲.

[۲] مستند الشیعة، محقق نراقی، ج ۱۸، ص ۳۸۵.

[۳] نهاية الافکار، عراقی، آفاضل الدین، ج ۱، ص ۵۰۱.

← مبحث عموم و خصوص

اگر گوینده در کلام خود چند جمله را به هم عطف کند سپس یک استثنا بیاورد (در صورت امکان رجوع استثنا به همه جمله‌ها) [قیر متیقن](#)، رجوع استثنا به جمله آخری است؛ لیکن در این که علاوه بر جمله آخری به دیگر جمله‌ها نیز باز می‌گردد تا همه آن‌ها [تخصیص](#) خورده و [مقیّد](#) شوند یا نه، احتمال هر دو می‌رود و تعیین هر یک متوقف بر وجود [قرینه](#) بر آن است.

قول سومی نیز در مسأله وجود دارد که قائل به تفصیل است، بدین صورت که اگر جمله‌ها از جهت موضوع و [محمول](#) متعدد باشند استثنا به آخری برمی‌گردد ولی اگر چنین نباشد خواه تنها از جهت موضوع متعدد باشند یا محمول، به تمامی جمله‌ها باز می‌گردد.

[۴] مختلف الشیعة، علامه حلی، ج ۶، ص ۴۲.

[۵] کشف الرموز، فاضل الآبی، ج ۲، ص ۳۱۸.

[۶] نهاية الافکار، عراقی، آفاضل الدین، ج ۱، ص ۵۴۰.

١. [↑ مستند الشيعة، محقق نراقي، ج ١٦، ص ١١٢.](#)
٢. [↑ مستند الشيعة، محقق نراقي، ج ١٨، ص ٣٨٥.](#)
٣. [↑ نهاية الافكار، عراقي، آقا ضياء الدين، ج ١، ص ٥٠١.](#)
٤. [↑ مختلف الشيعة، علامه حلي، ج ٦، ص ٤٢.](#)
٥. [↑ كشف الرموز، فاضل الأبي، ج ٢، ص ٣١٨.](#)
٦. [↑ نهاية الافكار، عراقي، آقا ضياء الدين، ج ١، ص ٥٤٠.](#)

منبع

فرهنگنامه اصول فقه، تدوين توسط مركز اطلاعات و مدارك اسلامي، ص ١٥١، برگرفته از مقاله «استننا».

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام، ج ١، ص ٤١٤.